



# از طبرستان تا مازندران

## پژوهشگر - طهمورث فقیه

پیشتر گفته بودیم که طبرستان در تاریخ اجتماعی ایران از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. آبادانی و حاصل‌خیزی این ناحیه‌ی بزرگ که بخشی از امپراتوری ایران زمین را تشکیل می‌داده در طول تاریخ مدعیان زیادی را به سوی خود کشیده است. نهضت‌ها و حکومت‌های کوچک و بزرگ در دوره‌های متفاوت تاریخی در طبرستان حکومت رانده‌اند.....

### نهضت‌های شیعی

یکی از ویژگی‌های عصر تیموریان، پیدایش نهضت‌های شیعی است که در گوشه و کنار ایران به طور پراکنده به وجود آمدند. سرآغاز این نهضت‌ها خروج «سربداران» شیعی مذهب در خراسان است. سربداران که در اصل مرید «شیخ حسن جوری» بودند در زیر پرچم شیعه،

نهضتی ملی و ضد مغول پدید آوردند.

خانواده دیگر شیعه، خاندان سادات

مرعشی هستند که آنان نیز پیروان

«شیخ حسن جوری» بودند و در

مازندران قدرت یافتند. یکی از این

سادات «سید قوام‌الدین» نام

داشت که در شهر ساری ریاست

نهضت انقلابی خود را بر عهده گرفت و

بر ضد «باوندیان» که از اشراف قدیم آن ناحیه بودند قیام کرد. وی به زودی قدرت روحانی و سیاسی را در دست گرفت و حکومت سادات مازندران را پایه‌ریزی کرد و مرکز آن را شهرستان آمل قرار داد. دولت سادات مرعشی تا هجوم تیمور باقی بود و تیمور توانست با تدبیر و به تدریج حکومت ایشان را خاتمه دهد.

یکی دیگر از قیام‌های شیعی در این عصر قیام فرقه‌ی حروفیه و پیروان فضل‌الله استرآبادی

است. آنان برای هر حرفی از حروف الفبا معنایی خاص قائل بودند. حروفیه به تأویل و تفسیر آیات قرآن با برداشت‌های ذهنی خود پرداختند و چون اساس تعلیماتشان بر پایه‌ی تخیلات و تصورات فردی استوار بود، چندان مورد توجه قرار نگرفتند. به وجود آمدن تمام این نهضت‌ها و فرقه‌های شیعه، مقدمه‌ای برای ظهور «دولت صفوی» در ایران بود.

از تاریخ افول امپراتوری ساسانی تا ظهور نادرشاه، هیچ پادشاهی با قدرت و جسارت و مدیریت فسرزند «اسب و شمشیر» دیده نشده است.

امضا کرده‌اند. در صفحه‌ی اول این نسخه‌ی خطی چنین نوشته شده است:

«این شاهنامه به وسیله‌ی

اعلیحضرت جهانگیر در هشتمین سال پادشاهی‌اش (۱۰۲۲ هـ . ق) به یکی از کوچک‌ترین بندگان، الله‌وردی چلاه بخشیده شده و الله‌وردی آن را به برادرش خواجه محمدرشید تقدیم کرده بود.»

در صفحه‌ی مقابل مهر و امضای محمد عارف پسر خواجه محمد رشید و اسامی تعداد دیگری از صاحبان این نسخه آمده است و اما، الله‌وردی یکی از ترکان بود که نسبت خود را به سلجوقیان می‌رساند. وی در اوایل زندگی به عنوان یک خدمت‌کار وارد دستگاه سلطان پرویز شد و سپس وارد دستگاه حکومتی جهانگیر شاه شد. در دوره همین حکمران بود که او توانست استادی و مهارت مسلم خود را در شکار نشان داده و مورد توجه پادشاه قرار گیرد او در دوره پادشاهی شاه جهان به فرماندهی نظامی حکومت برگزیده شده و سرانجام به فرمان ولیعهد «شجاع» کشته شد.

« ادامه در شماره آینده »

۱- منظور از «حسن میمندی» احمدبن‌حسن میمندی است که نسخ این نسخه نیز مانند بسیاری از نویسندگان دیگر به علت ناآگاهی و عدم توجه و رونویسی از نسخه‌های پیشین او را «حسن میمندی» خوانده است. حسن میمندی پدر احمد میمندی بوده است و فردی معمولی بوده و در سیاست دخالتی نداشته است، در صورتی که احمد میمندی پسر حسن میمندی فردی دانشمند، سیاست‌مدار و کارداران بوده است. احمد میمندی وزیر سلطان محمود غزنوی است و به علت تسلط و علاقه‌اش به زبان عربی دستور می‌دهد تا کلیه‌ی دفاتر دیوانی را از فارسی به عربی برگردانند. احمد میمندی بر خلاف وزیر قبلی سلطان محمود، فضل‌بن احمد اسفراینی که وزیری فارسی‌پرور بود، فردی عرب‌گستر بود و زبان عربی را رایج کرد.

### \*\* توضیح در توضیح \*\*

در اصطلاح نام «حسن میمندی» و «احمد میمندی» تصحیح‌کننده متن در توضیح شاهنامه‌ی چاپ مسکو دوباره دچار اشتباه شده و «احمدبن حسن میمندی» را «حسن‌بن احمد میمندی» نامیده است که ما اصلاح کردیم و شرح دادیم. (مک)



صفحه ۳۵

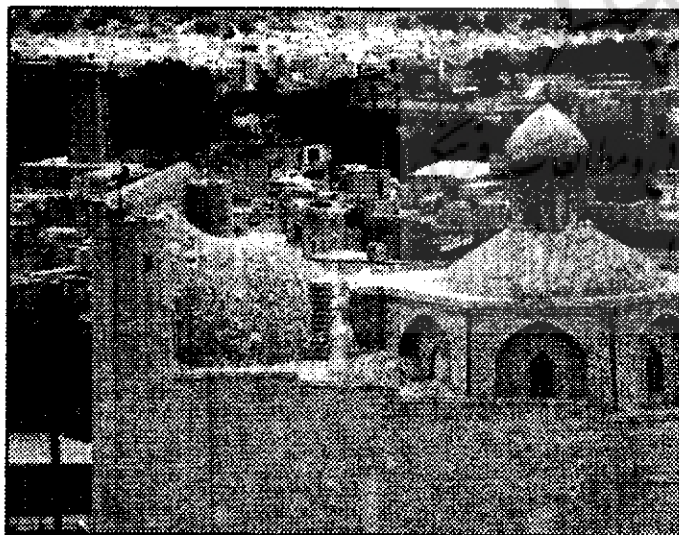
تا سال ۱۲۱۰ در حکومت خراسان باقی بود. سرانجام شاهرخ زیر شکنجه‌ی آقا محمدخان قاجار که جای خزاین نادری را از او می‌خواست درگذشت. پس از افشاریه از سال ۱۱۶۲ تا ۱۱۹۲ خاندان زند بر ایران حکومت راندند.

محمدحسن قاجار که در زمان نادر در مازندران و استرآباد ادعای حکومت داشت و دم از استقلال و پادشاهی می‌زد، پس از قتل نادر، مجدداً علم مخالفت برافراشت و گیلان را نیز تصرف کرد. پسر بزرگ آقا محمدخان که در این هنگام پنج ساله بود اسیر علی‌شاه حاکم گیلان شد و به دستور وی مقطوع النسل گردید.

کریم‌خان که حکومت محمدحسن خان را در گیلان برای خود خطرناک می‌دید وی را از آنجا بیرون کرد و سپس به محاصره قلعه‌ی

استرآباد رفت. سرانجام محمد حسن‌خان قاجار در مازندران به دست یکی از کسان خویش کشته شد. پس از قتل او پسر دیگر او، آقامحمدخان به کریم‌خان پناه آورد و خان زند او را

مورد عنایت خویش قرار داد. خاندان زندیه حدود ۴۶ سال بر سراسر ایران زمین سلطنت کردند. در سال ۱۲۰۹ هجری خاندان زندیه منقرض شدند. پس از انقراض خاندان زند در نوروز سال ۱۲۰۰ هجری آقا محمدخان قاجار در تهران پادشاهی خود را اعلام کرد و این شهر را به عنوان پایتخت برگزید. آقا محمدخان در آغان، شهر استرآباد را به عنوان پایتخت انتخاب کرده بود، ولی بعد از تصرف غرب ایران تا مدتی ساری را به عنوان پایتخت برگزید.

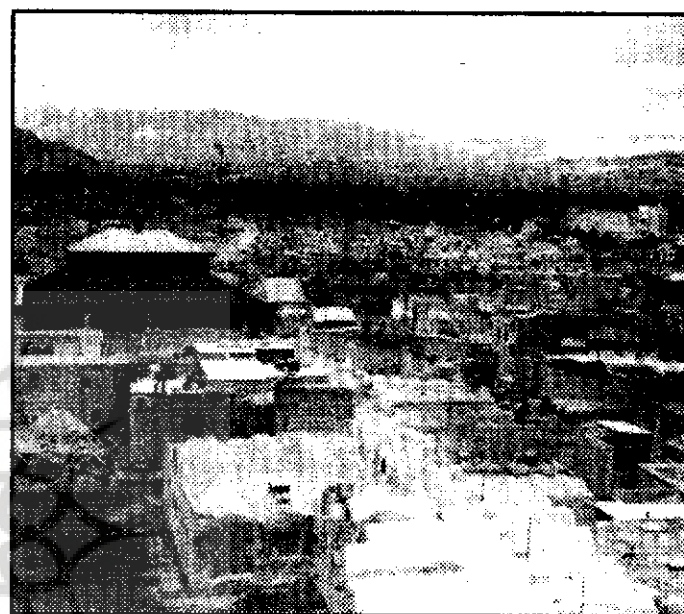


سلسله‌ی قاجار به مدت ۱۲۵ سال در ایران سلطنت کردند. از سلسله‌ی قاجاریه آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه به سلطنت رسیدند که سرانجام پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی، حکومت قاجاریه منقرض و در سال ۱۳۰۴ شمسی رسماً رضاخان سردار سپه به تخت سلطنت ایران جلوس کرد.

«ادامه دارد»

تیموریان پس از ۱۲۵ سال حکومت بر ایران جای خود را به سلسله‌ی «صفویه» دادند. صفویه نزدیک ۲۴۲ سال بر ایران سلطنت کردند. این سلسله سپس از حمله‌ی افغان‌ها و شکست «شاه طهماسب دوم» از اشرف افغان منقرض گردید. شاه

طهماسب با گروه اندکی از یارانش به مازندران و از آن جا به استرآباد گریخت و به «ایل قاجار قوانلو» پناه برد. در سال ۱۱۴۸ با پایان گرفتن دوره حکومت صفویه، «نادر» حکومت را در دست گرفت و سلسله‌ی



«افشاریه» را بنیاد نهاد. نادر در سال ۱۱۵۴ به انتقام مرگ برادر خود «ابراهیم خان» رهسپار داغستان شد. نادر به وقت بازگشت از داغستان در حالی که از داخل جنگل‌های سوادکوه مازندران می‌گذشت، در ۲۸ صفر سال ۱۱۵۴ تیری از پشت درخت‌ها به سوی او پرتاب شد. تیر زیر بازوی او را خراشید و به شصت دست چپ او خورد و از آن جا به گردن اسبش رسید و اسب روی زمین درگلتید. «رضا قلی‌خان» پسر نادر که از پی پدر می‌آمد، قراولان را برای تحقیق پیش خواند، اما ضارب مجال یافته و فرار کرد.

پسر تیمور گورکانی را به این دلیل «شاه رخ» نامیدند که هنگام تولد وی، امیر تیمور در حال بازی شطرنج بود. چون با حرکت مهره رخ، شاه حریف را در حالت مات قرار داده بود، از ترکیب دو کلمه‌ی «شاه» و «رخ» اسم پسرش را «شاه رخ» گذاشت.

نادر از بدگمانی پنداشت که فرزندش رضاساقلی میرزا در این توطئه دست داشته است. در رمضان همان

سال غلامی به نام «نیک قدم» را که متهم به تیراندازی در جنگل سوادکوه بود به خدمت نادر آوردند. نادر فرمان داد او را کور کردند و چون این حرکت را به تحریک پسرش رضا قلی میرزا می‌دانست، دستور داد که پسرش را نیز از نعمت بینایی محروم ساختند.

مدت سلطنت نادرشاه قریب ۱۲ سال از ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ به طول انجامید و جانشینانش نیز تا سال ۱۱۶۲ بر ایران حکومت کردند آخرین بازمانده این خاندان به نام شاهرخ میرزا در زمان کریم‌خان زند